

نیکلاس موتافکیس اخیراً کتاب دیدگاه رشر در باب عقلانیت، ارزش‌ها و مسئولیت اجتماعی: یک تصویر فلسفی را در باب اندیشه نیکلاس رشر فیلسوف معروف معاصر نگاشته که انتشارات اونتوس آن را منتشر کرده است. آن‌چه در ذیل می‌آید بررسی کوتاه روبرتو پولی استاد دانشگاه ترنتو بر این کتاب است. این مقاله از جریده نقد کتاب گروه فلسفه دانشگاه نوتردام اخذ شده است که ترجمه آن با اندکی دخل و تصرف در این‌جا درج می‌شود. این مقاله می‌تواند در ذیل نمونه‌ای از بررسی کتاب جای گیرد که ضمن اشاره به امهات مطالب کتاب به صورت خلاصه، نکاتی نقدگونه و تحلیل‌محورانه در باب آن اشاره می‌کند.

کتاب موتافکیس، اولین جلد از مجموعه «خوانش رشر» است که توسط انتشارات آلمانی اونتوس ورلاگ Ontos Verlag به چاپ رسیده است. این ناشر، درگیر چاپ چهاردهمین مجلد از "مجموعه مقالات نیکلاس رشر" نیز هست. این دو مجموعه با استقبال بسیار چشمگیری نیز مواجه شده است. به واقع، توان قابل ملاحظه رشر در نگارش، در طلب نوعی نگاه است که تا بتواند فضای مناسبی را در جذب مخاطب فراهم کند.

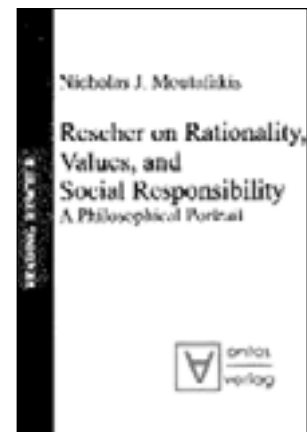
کتاب موتافکیس، هشت فصل با موضوعات مختلف در خود دارد که عبارت است از: در باب عقلانیت و تنگناهای آن، ماهیت رو به رشد شخصیت، درک عمومی رشر از سنجش و ارزیابی، رشر، عدالت توزیعی و فایده‌گرایی، ارزیابی عمل ترجیحی و کاربردی، شخصیت و ماهیت کامل اخلاق، در باب تشابهات و محدودیت‌های شک-

گرایی و نسبیت‌گرایی و اخلاق مسئولیت اجتماعی. این کتاب شامل پیش‌درآمدی کوتاه از خود نیکلاس رشر و در ادامه یک مقدمه، یک پیش‌آغاز و یک زندگینامه است. در ادامه هم یک مشی سودمند اتخاذ شده است. چرا که آثار نیکلاس رشر را در مجموعه‌های متفاوتی جای داده است: کارهای خود رشر، ترجمه‌ها، مقالات (که بیشتر به بخش‌هایی چون: نظریه شناخت، مابعدالطبیعه، انسان‌شناسی فلسفی، فلسفه علم و تکنولوژی، اخلاق، نظریه ارزش، فلسفه سیاسی و اجتماعی، فلسفه پویشی، پراگماتیسم، ایده‌آلیسم، فرافلسفه، فلسفه دین، فلسفه لایب‌نیتز، فلسفه کانت، فلسفه پیرس، تاریخ فلسفه (فلسفه یونان، فلسفه عربی و غیره) زندگی‌نامه خودنوشت، منطق فلسفی، منطق صوری، تاریخ منطق تقسیم می‌شود). مباحثی در خصوص فلسفه رشر و مقالاتی در باب آثار رشر نیز در این مجموعه آمده‌اند.

شروع به کار موتافکیس با اشاره به «نخبه‌گرایی خلاق و مشتاق» رشر است. خوانش منحصر به فرد وی از ایده‌آلیسم، انتقاد وی از نظریه مطابقت صدق، برنامه دقیق او در باب نظری ادراک - به این معنا که ذهن این قابلیت را دارد که در فهم جهان بر طبق الگوهای نظم، ساختار تقسیم‌بندی تجربه، چارچوب‌های تبیینی، مقولات و نقش‌های اجتماعی، قصدیت و هدف و همچنین مقولات ارزشی ما را مدد رساند - از جمله خلاقیت‌های وی هستند. به این اضافه کنید اشاره به انحراف کنونی پراگماتیسم با نویسندگان امریکایی‌اش که مورد توجه دقیق وی قرار گرفته‌است. به نظر او این نویسندگان میان چه برای ما کار می‌کند؟ یا چه برای من کار می‌کند؟ خلط و خبط صورت داده‌اند.

دیدگاه رشر در باب عقلانیت، ارزش‌ها و مسئولیت اجتماعی

روبرتو پولی
ترجمه: بهروز عیدی



این کتاب جدای از این موارد صریح و مورد نیاز، به صورت خلاصه، دریافت‌های رشر از عقلانیت، ارزش‌ها و مسئولیت‌ها را از سرآغاز زندگی فکری او صورت‌بندی می‌کند.

در بررسی انتقادی که در ذیل آمده است، من مشاهدات انتقادی خود را فقط به یک مسئله مهم، آن هم

مفهوم فرد محدود می‌کنم. در حقیقت، یکی از جنبه‌های جالب‌توجه در نظریه ارزش‌ها و اخلاق رشر، ایده‌ای است که بر طبق آن «هستی‌شناسی فردیت به اشیا مربوط نمی‌شود بلکه در ارتباط با فرآیندها تصور می‌شود.» اگر بخواهیم از جنبه هستی‌شناسی سخن بگوییم فرد را باید یک فرآیند دانست. این موضوع هم جنبه عام در خود دارد (ویژگی تکامل فردی) و هم خاص (به طور مثال این مدعا که فردیت ما با فعالیت‌های ما فرجه یا رنجور می‌شود). آشکار است که این مدعای اخیر از دیدگاه ارسطویی که بر طبق آن ما با عمل فضیلت‌مدارانه دارای شخصیت فضیلت‌مند می‌شویم و با اعمال بد، دارای شخصیت بد می‌شویم، مجزا و مستقل نیست.

این کتاب شامل پیش‌درآمدی کوتاه

از خود نیکلاس رشر و در ادامه یک مقدمه،

یک پیش‌آغاز و یک زندگینامه است. در ادامه هم

یک مثنوی سودمند اتخاذ شده است. چرا که آثار نیکلاس

رشر را در مجموعه‌های متفاوتی جای داده است.

یکی از محورهایی که در این کتاب مورد توجه قرار گرفته این است که کیفیات از کیفیات ساختاری و سازنده یک شخص ناشی می‌شوند. در این باب البته چون و چراهای زیادی وجود دارند. علاوه بر این در این کتاب توجه به اظهارات برنتانو و نقش ارزیابی در تمییز دادن و سازماندهی ارزش‌ها از روی بی‌دقتی بوده و رضایت‌بخش نیست. بخشی از این خلل به ارجاعاتی برمی‌گردد که خیلی کلی هستند و هیچ یک از آثار خود برنتانو در مورد اخلاق در آن‌ها مورد توجه قرار نگرفته‌اند. ظاهراً تفاوت میان فرد به عنوان یک هویت روان‌شناسانه، فرد به عنوان یک هویت اجتماعی و فرد به عنوان هویتی که قادر به دسترسی به ارزش‌هاست، در کتاب هرگز به روشنی آشکار نشده است. از سوی دیگر، مشکل سرشت ارزش‌ها و مشکل دسترسی نداشتن ما به آن‌ها، مسئله زمان در بحث فردیت و بحث میان‌گایی ساختار فرد هم در کتاب بدون توضیح کافی رها شده‌اند.

در کتاب چیز زیادی به این ادراک که «ارزش‌های ما در ذیل گرایش‌های شهودی ما نسبت به دنیا قرار دارند» اضافه نمی‌شود؛ ارزش‌ها واکنش انعکاسی ما را نسبت به دنیا در خود دارند که این ادعای به‌جایی است، اما تبیین‌چندانی در این باب هم نمی‌رود. آن‌چه که به نظر نادرست است، این ادعا است که ارزش‌های غایی، بر خلاف اشیا که به صورت منحصر به فرد به ذهن عرضه می‌شوند به وسیله خواست‌ها و گزینش‌های فرد – که متنوع هستند – بر ما عرضه می‌شوند. به روشنی مشخص است که یک شخص ممکن است به‌درستی یک ارزش را بشناسد، حتی اگر انتخابش چیزی کاملاً مقابل با آن باشد.

رابطه میان ادعای رشر در قبال ارزش‌ها – مبنی بر این که «رأی عقل در توصیه بیش از فرمان دادن است» – و ادعاهای مشابه که توسط متفکرانی چون شلر یا هارتمان، ابراز شده‌اند می‌تواند قابل توجه باشد، اما متأسفانه تأثیرات اخلاقی این افراد کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. علاوه بر این توجه به یک ایده فرجه و مهم در باب فرد مانند آن‌چه هارتمان بدان اشاره کرده می‌تواند به صورت جدی مثمرتر باشد. متأسفانه در کار موتافکیس، توجه به هارتمان بسی سطحی است و او تحلیل خود را به آن‌چه رشر در باب هارتمان گفته مقید ساخته است.

نیکلاس رشر متولد ۱۹۲۸ است و در آلمان به دنیا آمده است. رشر از نه سالگی به همراه خانواده‌اش به ایالات متحده آمریکا مهاجرت نموده است. او در سال ۱۹۵۱ در حالی که بیش از ۲۳ سال نداشت دکترای خود را در رشته فلسفه از دانشگاه پرینستون اخذ کرد. وی که تاکنون بیش از ۴۰۰ مقاله و ۱۰۰ کتاب نگاشته در بسیاری از حوزه‌های فلسفه معاصر قلمفرسایی کرده است. رشر اکنون استاد فلسفه در دانشگاه پیتزبرگ آمریکا است. ●